



- چاپ ۲ -

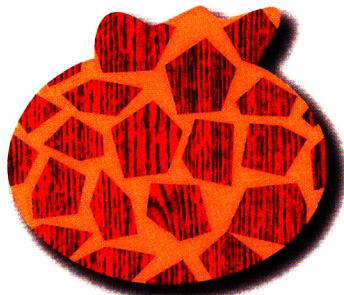
دنیای جانوران!



امی جونز
ترجمه‌ی
نیما سلامیان

نردبان

دنیای وحش

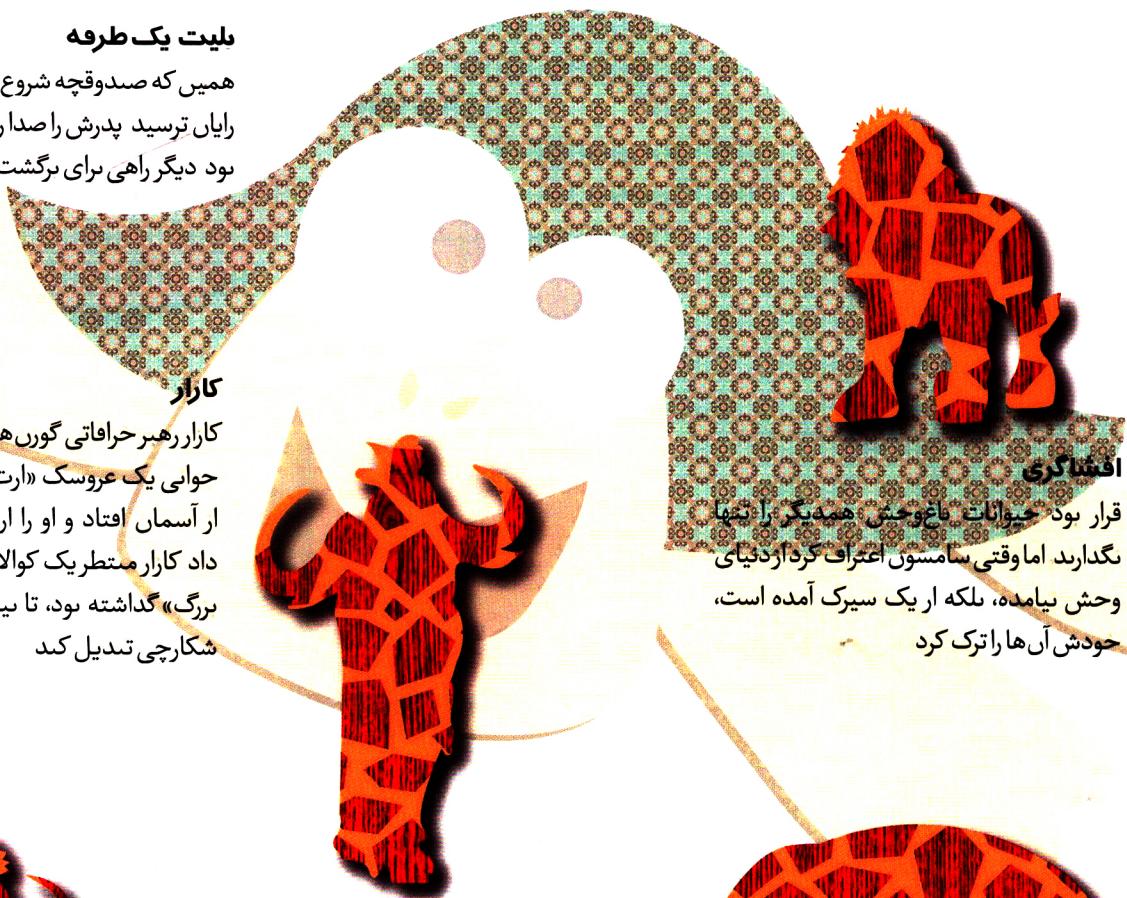


طبیعت وحشی حیلی حطریاک ترار چیری بود که
حیوانات باغ وحش همیشه تصورش را می‌کردند
آنها ار جایه‌ی راحتیشان در باغ وحش به حایی
حطریاک، پر ار گورن یال دار بانکار، کرکس‌های
گرسه و حنگلی استوایی که پشتیش آتش‌عشاشی در حال حوش و حروش
قرار داشت، سفر کرده بودند



بلیت یک طرفه

همین که صدو قجه شروع کرد به حرکت کردن،
رایان ترسید پدرش را صداردا ماحیلی دیرشده
بود دیگر راهی برای برگشت نبود



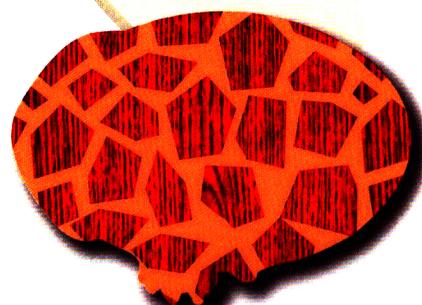
افشاگری

قرار بود حیوانات باغ وحش همیشه را تپه
نگارند اما وقتی سامسون اعتراف کرد از دنیای
وحش نیامده، بلکه ار یک سیرک آمده است،
وحش آنها را تک کرد

کارار
کارار هر حرفا تی گورن‌های یال دار بود در دوران
حوالی یک عروسک «ارت حوشم می‌آید نایحل»
ار آسمان افتاد و او را ار حمله‌ی شیرها بحات
داد کارار متطریک کوالا بود، که اسمش را «اوی
برگ» گداشته بود، تا بیايد و آنها را ار شکار به
شکارچی تبدیل کند

ملگ

ملگ تلاش می‌کرد هر کاری را که کارار
می‌حواست انجام بدهد، اما اهمیت
بداشت چقدر تلاش می‌کند، ریرا همیشه
حرانکاری می‌کردا



کوالای دیواه

نایحل ار یک کوالای ناشناس و بناهلاق مه یک کوالای
محترم و محبوب تبدیل شد، فقط به حاطر عروسک «ارت
حوشم می‌آید نایحل»